



دگرگونی ساختار تجارت جهانی، الگوهای توسعه اقتصادی را نیز دگرگون می‌نماید.

پروچکت سیندیکت، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ برابر با ۳ بهمن ماه ۱۴۰۳

خانم گلدبرگ استاد اقتصاد دانشگاه ییل

و

آقای روتا کارشناس صندوق بین‌المللی پول

برگردان: ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵ برابر با ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۳

تنش‌های ژئوپولیتیک، تغییرات تکنولوژیک و جان گرفتن دوباره حمایت‌گرایی، سبب شده است که الگوی تجارت جهانی دگرگون شود، و کشورهای درحال توسعه دریافته‌اند که تکرار "رشد صادرات پیشران" گذشته^۱، که به معجزه می‌مانست، برایشان سخت دشوار شده است. پیشبرد توسعه پایدار در این فضای جدید، نیازمند راه‌حلهای عمل‌گرایانه و آینده‌نگر است.

۱ - در این مقاله از دو ترم اقتصادی استفاده شده، یکی ترم *the export-driven growth* و دیگری ترم *the export-led growth* است. این هر دو ترم اقتصادی بیانگر نقش پر اهمیت صادرات در رشد اقتصادی است. اما یک تفاوت ظریف میان آنها وجود دارد. در ترم اول که برای آن برابر نهاد (رشد صادرات پیشران) انتخاب شده، صادرات نقش اساسی در رشد دارد اما همه رشد اقتصادی ناشی از رشد صادرات نیست. بخش‌های دیگر مثل کشاورزی و صنایع که به بازار داخلی نیز وابسته هستند در رشد نقش مؤثری دارند. کشور برزیل یک نمونه آنست. اما ترم دوم که برابر نهاد (رشد صادرات پایه) برای آن انتخاب شده است رشد اقتصاد مبتنی بر یک استراتژی از پیش‌تعیین شده ایست که در آن صادرات در قانون اصلی سیاست‌ها است. کشورهای کره جنوبی، چین و آلمان نمونه آنند. م

نیوهیون / واشینگتن، دی سی - تجارت جهانی درحال یک دگرگونی بنیادین است، سه جابجائی عمده، در این دگرگونی نقش دارند. تکنولوژی‌های نو درحال بازتعریف مزیت‌های رقابتی comparative advantages کشورها و نوع کالاهای تولیدی و صادراتی آنهاست. بازگشت و رواج دوباره‌ی سیاست‌های حمایتی صنعتی و تجاری از سوی دولت‌ها، تهدیدبست برای ایجاد انحراف در ”جریان‌های تجارت بین‌الملل“² و دامن زدن به اقدامات تلافی جویانه. و بالاخره، تنش‌های رو به افزایش میان کشورهای رقیب، خطریست برای پاره پاره کردن اقتصاد جهانی و نیز محدوده‌های ژئوپولیتیکی.

بهم‌پیوستن این نیروهای دگرگون ساز، می‌تواند شکل جدیدی به الگوی تجارت جهانی بدهد، و سبب شود که اقتصاد جهانی از ساختار سه دهه قبل خود، کاملاً فاصله بگیرد. گرچه ماهیت درحال تغییر جهانی سازی، در صدر جر و بحث‌ها سیاستی جاری قرار دارد، اما این گفتگوها، عمدتاً بر نیازها و الویت‌های اقتصادهای پیشرفته متمرکز شده است. پرسش اینست که این تغییرات چه اثراتی بر اقتصادهای درحال توسعه بجا خواهد گذاشت؟

برای پاسخ به این پرسش، لازمست نقش تجارت بین‌الملل و جهانی سازی را در پیشبرد توسعه درک کنیم. در طی سه دهه گذشته، بسیاری از اقتصادهای درحال توسعه، از مدل رشد صادرات پایه export-led growth model پیروی کردند، و از منافع سریع کارائی (efficiency) و بهبود مداوم بهره‌وری (productivity)³ سود بردند. در آغاز این اقتصادها، در مهارت‌های پائین و تولیدات کارخانه‌ای کاربر، تخصص پیدا کردند، و از نیروی کار فراوان خود و نیز سرمایه‌گذارهای کشورهای پیشرفته، حداکثر سود را بردند. دسترسی به بازارهای جدید جهانی و تخصص‌های خارجی، این کشورها را قادر ساخت که تکنولوژی‌های جدید را بکار گیرند و به صرفه‌های مقیاس (economies of scale) دست یابند. هنگامی که رشد صنایع کارخانه‌ای مبتنی بر تجارت (trade-driven manufacturing growth) در سایر بخش‌ها اقتصادی نفوذ کرد، به موتور نیرومندی برای پیشرفت گسترده‌تر اقتصادی تبدیل شد.

2 - جریان‌های تجارت بین‌الملل: به جابجایی کالاها و خدمات میان کشورها و اینکه هر کشوری با کدام کشور و به چه میزان به تجارت می‌پردازد، گفته می‌شود. م

3 - سه واژه کارائی (efficiency)، بهره‌وری (productivity) و کارآمدی (effectiveness) و ارتباط و تأثیر متقابل آنها را برهم، با مثال ساده‌ای می‌توان نشان داد. فرض کنیم که مسیر صد کیلومتری تهران قزوین را می‌خواهیم با اتومبیل طی کنیم و بدانیم که میزان مصرف بنزین اتومبیل، در سرعت‌های مختلف، متفاوت است. اگر در این مسیر سرعتی را انتخاب کنیم که حداقل مصرف بنزین را داشته باشیم به کارائی دست یافته‌ایم اما ممکن است مقداری زمان را از دست بدهیم و دیرتر به قزوین برسیم. حال اگر در تنگنای زمانی هستیم و هدف اینست که هرچه زودتر به مقصد برسیم، می‌توانیم سرعت بالاتر را انتخاب کنیم. که این مستلزم مصرف بنزین بیشتر و کاهش کارائی است. در اینجا رسیدن به هدف منظور نظرست، و این را کارآمدی گویند. بهره‌وری رابطه بین داده‌های تولید به ستاده است. در مثال ما رابطه طی مسیر صدکیلومتری و میزان بنزین مورد نیاز است. طبیعتاً اتومبیل‌های پیشرفته‌تر مصرف بنزین کمتری دارند. بنابراین پیشرفت تکنولوژی، بهره‌وری را افزایش می‌دهد. م

باید پذیرفت که توسعه در خلاء اتفاق نمی‌افتد. پس از سال‌های ۱۹۹۰، اوج‌گیری رشد صادرات پایه، به چند عامل شاخص بستگی داشت، مهم‌ترین آنها پیشرفت‌های تکنولوژیک بود، - بویژه تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات - که جاده را برای پدید آمدن زنجیره‌های عرضه جهانی صاف کرد. شکستن فرایندهای تولید و تقسیم آن بین چندین و چند کشور و رواج تجارت فرامرزی قطعات، به کشورهای درحال توسعه این امکان را داد که هر یک با تخصص در بخش‌های از وظائف تولیدات کارخانه‌ای، مزیت‌های رقابتی کسب کنند و از این مزیت خود سود فراوانی به چنگ آورند.

عامل دوم سیاست گذاری‌های کارآمد و اثربخش بود. پذیرش چند جانبه‌گرایی (multilateralism)، و ورود کشورهای درحال توسعه در سازمان تجارت جهانی، و کاربرد حداقلی سیاست‌های حمایتی صنعتی از سوی اقتصادهای پیشرفته، سبب تداوم قانونمندی‌ها و پیش‌بینی پذیری (predictability) و باز شدن سیستم تجارت جهانی شد. دراین میان، توافقات تجاری «ژرف» (deep trade agreements)⁴ بعنوان مکانیزمی برای منصرف کردن اقدامات انحرافی- تجارت بین‌الملل به خدمت درآمد و رفاه‌های ساختاری را ارتقاء بخشید.

و سرآخر، پایان جنگ سرد با خود دوران ثبات نسبی ژئوپولیتیکی، صلح و تداوم قانونمندی را به‌مراه آورد. این زیست بوم تجارت جهانی، که بر فلسفه تقدم کارائی اقتصادی بر ملاحظات امنیت-ملی و ایده‌ل‌وژی‌های سیاسی استوار بود، برای تضمین عملکرد روان زنجیره‌های عرضه جهانی کارساز بوده است.

اکنون اوضاع و احوال دگرگون شده است، شواهد نشان می‌دهند که نوآوری‌های تکنولوژیک مثل بکارگیری ربات‌ها در تولید، چاپگرهای سه بعدی، و هوش مصنوعی می‌توانند اثرات ژرف و پیچیده‌ای بر توسعه اقتصادی داشته باشند. موج اتوماسیون ناشی از این تکنولوژی‌ها، ضمن اینکه تهدید نیست برای بیرون راندن کارگران کم مهارت از چرخه تولید، و نیز از میان برداشتن قدرت رقابتی کشورهای کم درآمد دارای نیروی کار فراوان، در عین حال شرکت‌های بزرگ را قادر خواهد کرد که به‌رموری خود را افزایش دهند و بزرگتر شوند. از سوی دیگر، این دگرگونی‌ها، به نوبه خود، می‌تواند تقاضا برای داده‌های واسطه‌ای را افزایش دهند و تجارت با کشورهای درحال توسعه را برانگیزانند.

یک نکته مهم‌تر، اثرات پیشرفت‌های تکنولوژیک نقش عمده‌ای در افزایش قابلیت تجاری شدن (tradable) خدمات می‌تواند داشته باشد، که این خود فرصت‌های جدیدی را به روی رشد صادرات پایه می‌گشاید، اما همچنین تنش‌های مهمی را نیز برای اقتصادهای درحال توسعه به‌مراه خواهد داشت. برخلاف تولیدات کارخانه‌ای، خدمات تجارتي و آی تی (Information Technology services) نیازمند نیروی کار بسیار ماهر است. برای تبدیل

4 - توافقات تجاری «ژرف»، به توافقی‌هایی گفته می‌شود که بسیار فراتر از توافق تعرفه‌ای است و شامل یکسان سازی بسیاری از قوانین داخلی کشورهای طرف توافق می‌شود، نمونه کامل آن کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند.

خدمات این بخش‌ها به موتور رشد، دولت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در آموزش و بالا بردن مهارت‌های نیروهای کار خود خواهند داشت.

برای تجارت جهانی نیز انجام تغییرات در سیاست‌ها و در ژئوپولیتیک، به‌همین اندازه پیچیده و دشوار است. تقریباً ۲۰ درصد سیاست‌های حمایتی صنعتی که در سال ۲۰۲۳ توسط اقتصادهای پیشرفته به اجراء درآمده، به انگیزه ملاحظات ژئوپولیتیکی و امنیت ملی بوده است. برای نمونه، توجیه سیاست‌های صنعتی که در مورد خودروهای الکتریکی و ریزتراشه‌ها به اجراء درآمده، تلاش برای متنوع کردن زنجیره‌های عرضه به مناطقی خارج از نقاط حساس ژئوپولیتیکی، بوده است.

درحالی که اثرات کوتاه مدت تنش‌های ژئوپولیتیکی موضوع بسیاری از پژوهش‌های جاری است، یک دست‌آورد درخور توجه از پژوهش ما (نویسندگان مقاله) اینست که این تغییرات، “جریان‌های تجارت بین‌المللی” را از بن و پایه دگرگون خواهد کرد. ایالات متحده آمریکا نمونه بارزی از این مسئله است، از هنگام تنش تجاری بین چین و آمریکا در سال ۲۰۱۸، چند کشور درحال توسعه، بعنوان عرضه‌کنندگان مهم کالا به بازارهای آمریکا، پا به میدان گذاشتند. این رویداد می‌توان گواهی بر پیکربندی تازه‌ای برای زنجیره‌های عرضه جهانی و نشانی از تغییر مسیر حرکت کالاهای واسطه‌ای ساخت چین از طریق کشورهای ثالث باشد.

با این وجود، تنش‌های تجارت بین‌الملل، ذاتاً به نفع کشورهای درحال توسعه نیستند. اولین نکته اینکه، کشورهایی که حداکثر سود را از تخصیص مجدد “جریان‌های تجارت بین‌المللی” برده‌اند، اقتصادهای کم‌درآمدی نبودند که در حاشیه جهانی سازی قرار داشته‌اند، بلکه بعکس، آنهایی هستند که هم‌اکنون عمیقاً با سیستم تجارت جهانی ادغام شده‌اند، مثل کشورهای مالزی، مکزیک و ویتنام.

افزون برآن، شبیه‌سازی (simulation) ما نشان می‌دهد که پاره پاره شدن جهان به بلوک‌های رقیب، به کشورهای کم‌درآمد بیشتر ضربه می‌زند. در طی سه دهه گذشته، دسترسی به بازارهای باز جهانی، فرصت‌های بزرگی برای رشد کشورهای درحال توسعه پدید آورده است. بیرون آمدن از این مدل، زیان بسیار بیشتری را متوجه کشورهای فقیری خواهد کرد که فاقد بازارهای داخلی و ناحیه‌ای بزرگ هستند و نمی‌تواند با تکیه به بازارهای داخلی و ناحیه‌ای خود، از دست دادن فرصت تجارت بین‌المللی را جبران کنند.

مطمئناً، ساختار جدید اقتصاد جهانی در حال شکل‌گیری است. و کاملاً آشکار است که ماهیت تغییر جهانی سازی، کپی برداری از معجزه رشد صادرات پایه چند دهه گذشته را سخت‌تر خواهد کرد. برخورد با سه متغیر عمده تجارت بین‌الملل (تنش‌های ژئوپولیتیکی، تغییرات تکنولوژیک و جان گرفتن دوباره حمایت‌گرایی)، که شکل دوباره‌ای به دنیای ما خواهد داد، نیاز به راه‌حل‌های عمل‌گرایانه و آینده‌نگر دارد.



PINELOPI KOUJIANOU GOLDBERG

Writing for PS since **2019**

33 Commentaries

Follow

Pinelopi Koujianou Goldberg, a former World Bank Group chief economist and editor-in-chief of the *American Economic Review*, is Professor of Economics at Yale University.



MICHELE RUTA

Writing for PS since **2025**

1 Commentary

Michele Ruta is Deputy Division Chief of the Strategy and Policy Review Department at the International Monetary Fund.